

# ده دقیقه‌ها

کتاب، مادر تمدن‌ها  
و نیز عصاره آن‌ها است

بعد از ۱۰ روز مطالعه‌ی ۱۰ دقیقه‌ای  
قدم رو پُذ کنید و بفروستید  
به آیدی ارتباطات 



## کتاب داستان رویان

به موازات کسب و ثبت دستاوردهای علمی، لازم بود رویانی ها برای ارائه آن در مجامع جهانی و همچنین تبادلات علمی ایران با دانشمندان و متخصصان سایرکشورها فکری کنند. سالها کنگره بین المللی ناباروری غرب آسیا، هر بار در یکی از کشورهای منطقه برگزار میشد، ولی نوبت به ایران نمی رسید. طبعاً در این شرایط نه کسی خبری از پیشرفت های درمان ناباروری در کشور داشت، نه ارتباطات دانشمندان ایران با دیگران، حداقل در سطح منطقه به طور جدی برقرار میشد. دکتر پیشنهاد برگزاری کنگره ناباروری غرب آسیا در کشور را ارائه داد. مسئولان موافق بودند. برگزاری یک دوره کنگره غرب آسیا در ایران آرزویی بود برای بچه ها، اما... . حوالی سال 1372 بود که دکترآشتیانی درصدد اجرای آن برآمد. نامه درخواست برگزاری کنگره را به انجمن

ناباروری غرب آسیا فرستاد تا یک دوره نوبت به ایران برسد، اما نپذیرفتند. دلیلشان هم فقر دانش درمان ناباروری در ایران بود. ایران را از نظر علمی کشوری عقب مانده میدانستند.

اینگونه فضای بیرون علیه ایران بود. یعنی حق هم داشتند، چون اطلاعاتی در اینباره نداشتند. شاید هم شنیده بودند ولی باورشان نمیشد. دکتر رابط و نماینده ایران بود. او موضوع کنگره را دنبال میکرد و اولین شنونده این حرفها بود. برایش سنگین بود که کسی بیاید و همه واقعیات عینی را منکر شود. باردار شدن افراد مسئله ای نبود که بتوانند آن را به راحتی انکار کنند. دکتر هم آدمی نبود که به سادگی کوتاه بیاید و این موضوع را نادیده بگیرد. هر جا روزنه ای میدید که میشد از آن طریق کاری کرد، پیگیر میشد. ایراد و انقُلت علمی ناامیدش نمیکرد، چون اثبات دستاوردهای علمی راه حل

داشت. میشد اثبات کرد، مگر اینکه نخواهند بشنوند. یکی از حرفه‌هایی که در میان گفتوگوهایش با بزرگان کنگره غرب آسیا شنید، بویی دیگر داشت و علمی نبود.

در یکی از دوره های کنگره ناپاروری غرب آسیا، دکتر کاظمی به دبیر انجمن ناپاروری غرب آسیا MEFS پیشنهاد کرد این کنگره یک دوره هم ایران برگزار شود. این شخص در جواب درخواست دکتر کاظمی گفته بود شما بروید در ایران مشکل حجاب را حل کنید. بعد بیایید درباره برگزاری کنگره صحبت کنیم! دکتر میگفت با شنیدن این جمله خیلی دلم شکست (رحیم توسلیان، معاون سابق فرهنگی جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران و مسئول فعلی روابط عمومی پژوهشگاه رویان).

گویا به هیچ وجه دانشمندان ایرانی را در سطحی نمیدیدند که پای حرفشان بنشینند. ایران در نظر آنها

هنوز در مسائل ابتدایی مانده بود و عقب مانده تر از این حرف ها بود که بخواهد از علم روز دنیا بگوید.

دکتر برای شرکت در کنگره ناباروری غرب آسیا به یکی از کشورهای عربی رفته بود. وقتی آنجا داوطلبانه اعلام کرده بود که این کنگره سال بعد یا سالهای بعد در ایران برگزار بشود، رئیس کنگره گفته بود ک شما اصلا چنین شرایطی ندارید.

حتی با اصرارهای دکتر، شرط و شروط عجیب و غریبی مطرح کردند. میگفتند موافقت با شما مشروط به این است که خانم ها بتوانند بدون حجاب به کشورتان بیایند و شما بتوانید این برنامه ها را برگزار کنید. همه این زخم زبان های تحقیرکننده باعث شد که به ایشان بر بخورد. بعد از آن سفر، به ایران که آمد گفت ما باید کار بزرگتری انجام بدهیم (دکتر عبدالحسین شاهرودی و دکتر احمد

و ثوق، معاون پشتیبانی و خدمات تخصصی پژوهشگاه  
رویان).

کار بزرگتر انجام شد؛ جشنواره علمی. انجمن غرب آسیا  
صرفاً کنگره برگزار میکرد. ولی دکتر تصمیم گرفت  
جشنواره علمی برگزار کند که در کنار آن کنگره هم فعال  
باشد. همه کسانی که از ابتدا پیگیر ماجرا بودند، به  
دکتر کاظمی گفتند شما پیش قدم شوید. این کار را شما  
میتوانید انجام بدهید.

با وجود همه تردیدها که مهم ترینش بیم از بی تجربگی  
و استقبال نکردن بود، بالاخره مقدمات برگزاری اولین  
دوره کنگره فراهم شد. بعد از اینکه از مسائل پشتیبانی و  
آماده سازی امکانات رفاهی و هتل ها و هماهنگی های  
داخلی با ارگانها و سازمانهای مختلف مطمئن شدند، از  
اساتید و متخصصان بین المللی و داخلی دعوت کردند.

فراخوان مقاله و طرح پژوهشی و ... دادند. به کسانی که مقاله ارسال کرده بودند. اطلاع دادند که برای ارائه مقاله و دریافت جایزه، در صورت انتخاب به عنوان مقاله برتر باید به ایران سفر کنند. دکتر میخواست هم متخصصان خارجی از نزدیک با ایران و پیشرفت های علمی کشور آشنا شوند و هم اساتید داخلی با آنها ارتباط بگیرند و از دانش و تجربیاتشان نهایت استفاده را ببرند. از دل این ارتباط ها و آشنایی ها امکان تعریف پروژه های علمی مشترک هم فراهم میآمد.

بالاخره روز برگزاری کنگره فرارسید؛ 6 مهر 1379. محل برگزاری هم سالن اجلاس سران بود.

مهمانان خارجی که برای اولین بار پایشان به ایران باز میشد، با احتیاط می آمدند. حتی برخی از اهالی همین کشورهای همسایه می پرسیدند شما که میخواهید

جشنواره برگزار کنید، در کشورتان اوپک هست تا شرکت کنندگان بتوانند مقالاتشان را ارائه دهند؟ کسی میگفت در سه قالب مختلف ارائه اش را آماده کرده است تا از هرکدام که امکانش فراهم بود استفاده کند، برگه های دستنویس، اسلاید و اوپک. فکر میکردند کشور اینقدر جنگ زده و عقب مانده است که وقتی میخواهند از فرودگاه به سمت محل برگزاری جشنواره بیایند، از خیابانها گاو و گوسفند رد میشود. چقدر سخت بود اصلاح نگاه های اولیه آنها به ایران. این اتفاق، هم کار مثبت فرهنگی برای کشور بود و هم کار علمی. الحمدلله هر دو نتیجه بخش بود. اینها که آمدند و ایران را دیدند و رفتند، دیدگاهشان تغییر کرد. دستاوردهای این دوره مقدمه ای شد تا با همت بچه های جهاد، جشنوارهای مستقل فارغ از کنگره غرب آسیا تدارک ببینند.



ما در سفرهایی که برای کنگره‌های غرب آسیایی، به ویژه در دبی و اردن و مصر داشتیم، همیشه احساس می‌کردیم علی‌رغم پیشرفت‌هایی که ما در کشور در زمینه‌های درمانی و پژوهشی داشتیم، در این زمینه به‌دلایلی نمیتوانیم خودمان را آن جوری که بایسته و شایسته است در سطح دنیا مطرح بکنیم.

عوامل محیطی و اجتماعی بسیاری مانع میشد. بارها در این مسافرت‌ها وقتی با هم صحبت میکردیم، می‌گفتند کسی پاپیش بگذارد و فعالیتی را انجام بدهد که ایران هم بتواند میزبان لااقل کنگره غرب آسیایی نازایی باشد؛ اما کسی تاب و جرئت این کار را نداشت. واقعا ما با تمام علاقه‌ای که داشتیم، نمیتوانستیم جلو برویم و مطرح کنیم که ایران میتواند میزبان محققان، اندیشمندان و پزشکان کشور‌های غرب آسیا در زمینه نازایی باشد. بحث جشنواره شد که ما بیاییم جشنواره تحقیقاتی برگزار

بکنیم؛ حرکتی مستقل از فعالیت‌هایی که انجمن غرب آسیایی نازایی انجام می‌دهد. بیایم این کار را مستقل از این راه بیندازیم. همین‌طوری در حال سبک سنگین کردن بودیم که یک روز یکی از دیوانه‌ها، دیوانه‌ها که می‌گویم البته نه به معنای دیوانه‌ای که شما می‌گویید؛ گفت آزمودم عقل دوراندیش را/عاقبت دیوانه سازم خویش را؛ منظورم آنهایی است که عاشق کار هستند. آقای شاهوردی به اتاق من آمد. گفت فلانی بیا راه بیندازیم، یا علی. گفتیم قبول. سال اول، پروسه را داخلی برگزار می‌کنیم. ایشان بیرون رفت، آمد. یک خُرده نشستیم صحبت کردیم. گفتیم چرا ما بین المللی برگزار نکنیم؟ غرب آسیایی برگزار می‌کنیم. از تاریخ 78/8/2 این نجوای بنده و ایشان به دیوانگان دیگری از این قوم تسری پیدا کرد و ما برای این کار هیئت اجرایی تعیین کردیم. باز در مذاکراتمان گفتیم ما که سرمایه گذاری کردیم،

چرا آن را غرب آسیایی بکنیم؟ بیاییم با تأخیری،  
بین‌المللی اش بکنیم.

یک روز بنده در جهاد داشتم فکر میکردم که خدایا ما  
اصلا در جهاد سابقه کار بین‌المللی نداریم. تا حالا هیچ  
روز در جهاد کار اینترنتشال انجام نداده بودیم. همین  
قرآنی که جلوی من بود، گفتم بازش بکنم، خدایا،  
بازکردم.

«وَلَقَدْ أُوحِيَٰنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ ۖ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي...» جالب  
این است که یا به آقای شاهوردی یا یکی از دوستان  
گفتم ما دل را به دریا زدیم. چه میشود، خدا میداند! والله  
العظیم. این آیه آمد که ما به موسی وحی کردیم که  
قومت را شبانه به آب بزن، به دریا بزن. شبانه قومت را به  
آب بزن و لاتخاف. از هیچ چیز نترس، برو جلو.

بچه ها را جمع کردیم. گفتیم خدا جوازش را داد. اگر هفت؛ هشت ده تا طرح خارجی بیاید، خیلی خوب است. باید سفت بایستیم و کار را ادامه بدهیم. در نتیجه 33 طرح خارجی از 14 کشور برای جشنواره آمد و بیش از نزدیک به 40 طرح داخلی. یعنی جشنواره با هفتاد و آندی طرح مواجه شد که 46 درصد این طرح ها، طرح های خارجی بود. از کانادا سه طرح، از آمریکا یک طرح، از اتریش دو طرح (دکتر سعید کاظمی آشتیانی).

کنگره بینالمللی رویان از شهریور 1379 به طور منظم برگزار شد. هربار پنج محقق از کشورهای مختلف جهان، از دست دکتر کاظمی و همکارانش تندیس و جایزه کنگره بینالمللی رویان را گرفتند. این جشنواره رفته رفته تبدیل شد به کانال ارتباط علمی ایران با دنیا و معرفی توانمندی های کشور به آنها.

متخصصان و اساتیدی که از کشورهای خارجی به جشنواره رویان می آمدند، پس از بازگشت به کشورشان سفیران ایران در آن کشورها میشدند. بسیاری از اینها که می آمدند و پیشرفت های علمی ایران را میدیدند، به نوعی گزارشگر موفقیت های ایران بودند. مسئولان چقدر باید هزینه میکردند تا تنها همین جنبه تبلیغاتی را با هزار بخشنامه و دستور و بریز و پاش پوشش میدادند، پس رویانی ها از طریق جشنواره با یک تیر دو نشان زدند.

تلاشهای شبانه روزی دکتر نتیجه داد. توانست اولین جشنواره را برگزار و پای متخصصان خارجی را به ایران باز کند. آوازه کنگره بین المللی درمان ناباروری رویان به جایی رسید که دانشمندانی از اروپا و آمریکا هم در آن شرکت کردند. این کنگره برکاتی داشت که سودش هم به رویان رسید و هم به ایران.

چند نمونه از اتفاقاتی را که بعد از جشنواره افتاد بگویم. ما در رویان دانشجوی خارجی جذب کردیم. مدارک و اسنادش هست. این همه اش رهاآوردهای این همایش است. چهار دانشجوی خارجی داشتیم که «پول» دادند، آمدند در جمهوری اسلامی آموزش روش های پیشرفته درمان را ببینند. اینکه ما از طریق صدور دانش فنی «پول» جذب بکنیم مهم است.

ما مریض خارجی جذب کردیم. اگر اشتباه نکنم، یک سال نزدیک چهل مریض خارجی به ایران آمدند. دفتر ما در کشور آذربایجان به زودی افتتاح خواهد شد. ما برای اولین بار مرکز مینتانس این بچه ها را راه اندازی کردیم که به زودی افتتاح میشود. کارش را شروع کردیم. در هیچ مرکز نازایی ای چنین چیزی وجود ندارد.

همه اینها مرهون آن جشنواره‌های است که رویان را به خارج و بالعکس متصل کرد (دکتر سعید کاظمی‌آشتیانی).

همه این دستاوردها به مرور زمان و بر اثر سالها ارتباط به دست آمد. کمترین ثمره این جشنواره، علاوه بر ابعاد علمی و دانشی اش، این بود که نگاه عده ای را که فکر میکردند ایران سالها از تمدن و فرهنگ عقب است تغییر داد.

علاوه بر این‌هایی که گفته شد، کار دکتر کاظمی و همکارانش جنبه علمی و معنوی دیگری هم داشت. جنبه علمی اش برمیگردد به موضوع تفاوت جشنواره با کنگره. اما جنبه معنوی اش برمیگردد به موضوع باقیات صالحات.